

## واکاوی مولفه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین و دلالت‌های

### تربیتی آن

پروانه مهرجو<sup>۱</sup>، هلن محمدی<sup>۲</sup>

۱- استادیار و عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

آدرس پست الکترونیک

۰۹۱۰۹۷۸۵۶۸۰

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران جنوب، ایران

helenmohammadi140@gmail.com

۰۹۱۲۰۷۲۹۴۹۹

### چکیده:

هدف پژوهش حاضر واکاوی مولفه‌ها و ابعاد همزیستی مسالمت‌آمیز در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین و دلالت‌های تربیتی آن است. در این راستا سه سوال پژوهشی بیان شده است: ۱- مولفه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین کدامند؟ ۲- ابعاد همزیستی مسالمت‌آمیز در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین کدامند؟ ۳- دلالت‌های تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین کدامند؟ روش پژوهش تحلیلی و استنتاجی است با ابزار فیش برداری بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه منابعی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در کلیه منابع (کتاب، مقاله و پایان نامه) که در ۱۰ سال اخیر پیرامون همزیستی مسالمت‌آمیز و تعلیم و تربیت بوده است و شامل ۳۰ منبع فارسی است. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر از نوع نمونه‌گیری موارد شایع می‌باشد. نتایج تحلیل مطالعه در پاسخ به سوال اول نشان داد که مولفه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز عبارتند از: انتخاب آزادانه، برقراری ارتباط سازنده، درک متقابل، بسط عدالت همه جانبه، مواجهه خردمندانه با مسائل، تعامل شایسته و... است. همچنین نتایج مطالعه در پاسخ به سوال دوم که ابعاد همزیستی مسالمت‌آمیز بود عبارتند از: احترام به حقوق دیگران، حق حیات و امنیت، آزادی از هوای نفس، حق دفاع و احقاق حق، عدالت و مساوات است. نتایج تحلیل در بخش دلالت‌های تربیتی (اهداف، اصول و روش‌های تربیتی) بیانگر آن بود که در مجموع ۷ هدف (کسب توانایی اعتبارسنجی ارزش‌ها با معیار «عقل مبتنی بر شرع» و...) که برخاسته از مبانی هستند و ۸ اصل (برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، ارزشمند شمردن حرمت انسانی، توجه به شئون فردی و اجتماعی، توجه به تفکر آزادانه و...) که برخاسته از اهداف هستند و ۵ روش (پرهیز از طرد اجتماعی دیگران، توصیه به خوش اخلاقی با دیگران، تأکید بر مشترکات و پرهیز از دامن زدن به تفاوت‌ها، و نهایتاً توصیه به همدلی و همدردی با دیگران) شناسایی شد. در نهایت نتایج پژوهش نشان داد که در ساحت‌های شش‌گانه تربیتی توجه زیادی به همزیستی مسالمت‌آمیز شده است که در قلمرو تعلیم و تربیت حائز اهمیت است.

**واژگان کلیدی:** همزیستی مسالمت‌آمیز، ساحت‌های شش‌گانه، ابعاد، سند تحول بنیادین، دلالت‌ها

### ۱- مقدمه:

یکی از مشکلاتی که امروزه دامن‌گیر اغلب جوامع شده این است که بسیاری از مردم امکان زیستن در کنار یکدیگر را به صورت مسالمت‌آمیز آموزش ندیده‌اند و بسیار دیده‌شده است که گاهی بر اثر چالش‌های بسیار کوچک، گروه‌هایی به جان یکدیگر افتاده‌اند. زندگی با همزیستی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر می‌تواند در سطوح مختلف مطرح باشد. به عنوان مثال همزیستی مسالمت‌آمیز بین اقوام مختلف یک جامعه یا چند کشور همسایه، بین معلم - دانش‌آموز، معلم - معلم، دانشجو - دانشجو، زن - شوهر، اعضای یک خانواده با یکدیگر. با این توصیف وجود جنگ‌های مختلف بین کشورها، اقوام و مذاهب و نیز آمار بالای طلاق و نیز مشکلاتی که به علت این تعارضات در میان برخی از دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان و اساتید وجود دارد، گواهی بر اهمیت این مسئله می‌باشد، همچنین وجود پرونده‌های مختلف از نزاع‌های خیابانی و خانوادگی دلیل دیگری برای وجود مشکلی به نام عدم همزیستی مسالمت‌آمیز است. منشأ این مشکلات و تعارضات می‌تواند در عدم توجه به این نکته باشد که انسان‌ها برای کامل شدن نیاز به تعاون و همکاری و نهایتاً همزیستی دارند (رضوان خواه، ۱۳۹۸، ص ۹).

همزیستی مسالمت‌آمیز یکی از هدف‌های بزرگ دولت‌ها بوده است؛ اما ادامه‌ی پافشاری بر جنگ‌ها نشان می‌دهد که مقصود حاصل نشده است. امروز، همزیستی مسالمت‌آمیز، جهت و معنای دیگری به خود گرفته است که بیشتر بسته به آشتی‌ناپذیری دو مجموعه‌ای از اصول اخلاقی شده که یکی از آن دو بر اساس یک ایدئولوژی مدعی سلطه‌ی جهانی پی‌ریزی شده است. این آشتی‌ناپذیری، جنگ‌های مذهبی سابق را به خاطر می‌آورد که بر اساس همین مخاصمه‌ی آشتی‌ناپذیری و ادعای جهانی‌شدن برپا می‌شد. در کل می‌توان گفت روی‌هم‌رفته، جهان فارغ از تندروی‌های آیینی است و این خصلتی بسیار ارزنده برای تأیید همزیستی مسالمت‌آمیز است. باین‌همه نظام بین‌المللی، به محدودیت حوزه‌ی عمل خود در این زمینه واقف است (دلما، ۱۴۰۰، ص ۸۹).

سازمان یونسکو در کمیسیون بین‌المللی مستقلی را در زمینه آموزش و پرورش برای سده بیست و یکم تشکیل داد. ریاست این کمیسیون به عهده ژاک دلور بود و گروهی از مشاوران برجسته از چهارگوشه جهان با او همکاری داشتند. وظیفه کمیسیون طرح اندیشه‌های نوآورانه در زمینه آموزش و پرورش بود، به‌گونه‌ای که از رهگذر آن نظام‌های تعلیم و تربیت بتوانند با مسائل آینده، به‌طور بایسته و شایسته روبه‌رو شوند (بهرامی، ۱۴۰۰، ص ۲۵).

پرداختن مدارس به آموزش مؤلفه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز باعث می‌شود که دانش آموزان بتوانند با آرامش و امنیت در کنار یکدیگر زندگی کنند، این دانش آموزان علاوه بر این‌که خود به این مؤلفه‌ها عمل می‌کنند و نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز را در میان نسل جوان ایجاد می‌کنند، می‌توانند با انتقال این مؤلفه‌ها به بزرگسالان و والدین که بعضاً ممکن است به علت وجود تعصبات قومی، مذهبی و اقتصادی با سایر اقشار جامعه اصطکاک دارند، آنان را نیز با خود همراه کنند، حضور افراد خودرأی که هیچ‌گونه انعطافی ندارند- آن‌گونه که تجربه ثابت کرده است- مشکلات جوامع به‌ویژه جوامع چند فرهنگی را بیشتر کرده است؛ بنابراین ضرورت آموزش مهارت‌هایی مثل پرهیز از خشونت، یادگیری همدلانه، مدارا و شکیبایی، برقراری ارتباط و سایر مؤلفه‌های همزیستی امری ضروری و مهم به نظر می‌رسد (چارچی و رضوان خواه، ۱۳۹۹، ص ۸۶).

دین اسلام دینی است جامع که هم برای زندگی فردی انسان‌ها برنامه دارد و هم برای اداره‌ی اجتماعات و جوامع انسانی و اگرچه این دین در شبه‌جزیره عربستان ظهور کرد، ولی بنا بر آیات قرآن منحصر به یک قوم و قبیله نیست، بلکه پیام و رسالتی جهانی دارد. اسلام انسان را موجودی اجتماعی می‌داند و به همراهی و همزیستی فرد با سایر اعضای جامعه تأکید می‌کند (بهرامی، ۱۴۰۰، ص ۲۲).

«انسان در صورتی می‌تواند به کمالات نوعی خود برسد و در زندگی سعادت‌مند شود که با سایر افراد تشکیل اجتماع دهد و در انجام اعمال حیاتی که انواع و اقسام بسیاری دارد و یک فرد به‌تنهایی نمی‌تواند همه‌ی آن‌ها را انجام دهد با دیگران همکاری نماید. این امر انسان اجتماعی را نیازمند به قوانین و مقرراتی می‌سازد که حافظ حقوق افراد باشد و بهره‌ی هرکسی را از مزایای جامعه مشخص نمایند» (طباطبایی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۵). علامه طباطبایی در این رابطه هم‌چنین معتقدند که «آیین مقدس اسلام یک روش کامل اجتماعی است و بدیهی است که سلامت کامل یک جامعه و بزرگ‌ترین آرزوی افراد این است که منافع حیاتی آنان تأمین گردد و از کشمکش‌ها و تجاوزهایی که زندگی و صفای آن را تهدید می‌کند، به‌قدر امکان جلوگیری شود تا انسان‌ها بتوانند با خیال آرام در شاهره تکامل به سیر خویش ادامه دهند» (طباطبایی، ۱۳۹۹، ص ۳۰۲).

از سوی دیگر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت را در ساحت‌های گوناگونی مورد بررسی قرار داده است که عبارتند از: ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، ساحت هنری-زیبایی شناسی، ساحت تربیت زیستی و بدنی، ساحت اقتصادی-حرفه‌ای و ساحت علمی-فناورانه. در هریک از ساحت‌های شش‌گانه مؤلفه‌هایی وجود دارد که لازمه زندگی مسالمت‌آمیز است و تمام ابعاد تربیت انسان را دربرمی‌گیرد (صالحی، محمدی پویا و ترکشوند، ۱۳۹۹، ص ۵۳).

لذا این پژوهش به دنبال آن است که بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چه ابعاد و مؤلفه‌هایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز می‌توان احصاء نمود و در نهایت چه دلالت‌های تربیتی در غالب اهداف، اصول و روش‌های تربیتی می‌توان استنتاج نمود؟

### مفهوم شناسی همزیستی مسالمت‌آمیز

در دهه‌ی پایانی سده‌ی بیستم، جهان شاهد فروپاشی کشورهایی بود که عمدتاً از نظر ترکیب جمعیت، ناهمگن بودند. این کشورها دارای تنوع و تعدد اقوام بودند؛ بنابراین قوم‌گرایی و قومیت از مسائل اصلی نظام بین‌المللی محسوب می‌شود. همچنان که در ۱۹۱ کشور عضو سازمان ملل، تنها ۱۲ کشور ترکیب جمعیتی قومی ندارند و جمعیت آن‌ها خالص به شمار می‌رود و بیش از ۱۷۰ کشور دارای ترکیب قومی هستند. به عبارتی دیاسپورا جزء اساسی برخی از ملت‌ها شده است. دیاسپورا از نظر لغوی به معنای پراکندگی است و در تعریف آن این‌گونه آمده است: هر اقلیت قومی یا مذهبی که به‌صورت فیزیکی از سرزمین اصلی خود پراکنده شده و بدون در نظر گرفتن علت پراکندگی و اینکه تا چه حد میان او و سرزمین اصلی‌اش ارتباطات فیزیکی، فرهنگی یا احساسی وجود دارد یا اصلاً چنین رابطه‌ای دارد یا ندارد، دیاسپورا محسوب می‌شود. دیاسپورا می‌تواند اقلیت مذهبی، هویتی، زبانی و غیره باشد؛ اما آنچه در همه مشترک بوده فرهنگ خاص هر گروه است که می‌بایست با فرهنگ جامعه‌ی بزرگ‌تر همزیستی داشته باشد. از

سوی دیگر می توان گفت قوم نه تنها دارای وجوه مشترک فرهنگی، تاریخی یا جسمانی است، بلکه افراد یک قوم نسبت به یکدیگر احساس تعلق و همبستگی می کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۹). در چنین زمینه ای ضرورت همزیستی مسالمت آمیز میان این اقوام و گروه ها مشخص می شود. همزیستی مسالمت آمیز به عنوان گام مقدماتی در مسیر تحقق سازش، انسجام اجتماعی، آشتی و عدالت در اجتماع است و برای تقویت روابط میان گروه های درون یک کشور، باید به مراحل والاتر و پیشرفته تر بعد از تحقق همزیستی مسالمت آمیز نیز- یعنی سازش و آشتی میان گروه های مختلف- توجه نمود (احسانی، ۱۳۸۹).

تنها بعد از استحکام بخشیدن به همزیستی میان گروه ها (همزیستی حداقلی) امکان حرکت تدریجی در جهت ایجاد روابط میان گروهی هماهنگ تر و مسالمت آمیز تر و حتی دستیابی به سازش و آشتی میان گروه ها وجود دارد. از این رو باید به چیزی فراتر از همزیستی حداقلی میان گروه ها اندیشید و آن تلاشی برای دستیابی به سازش میان گروه ها است (بارتال و بندیک، ۲۰۱۹). پس با پیوستاری از همزیستی مسالمت آمیز مواجهیم که برخی از صاحب نظران به نقطه ای آغازین (همزیستی حداقلی)، برخی به نقاط میانی (سازش میان گروه ها) و برخی نیز به نقطه ای انتهایی (همزیستی حداکثری) آن تمرکز می کنند.

همزیستی مسالمت آمیز یکی از هدف های بزرگ دولت ها بوده است؛ اما ادامه ی پافشاری بر جنگ ها نشان می دهد که مقصود حاصل نشده است. امروز، همزیستی مسالمت آمیز، جهت و معنای دیگری به خود گرفته است که بیشتر بسته به آشتی ناپذیری دو مجموعه ای از اصول اخلاقی شده که یکی از آن دو بر اساس یک ایدئولوژی مدعی سلطه ی جهانی پی ریزی شده است. این آشتی ناپذیری، جنگ های مذهبی سابق را به خاطر می آورد که بر اساس همین مخاصمه ی آشتی ناپذیری و ادعای جهانی شدن برپا می شد. در کل می توان گفت روی هم رفته، جهان فارغ از تندروی های آیینی است و این خصلتی بسیار ارزنده برای تأیید همزیستی مسالمت آمیز است. با این همه نظام بین المللی، به محدودیت حوزه ی عمل خود در این زمینه واقف است (سیدپور، ۱۳۹۹).

به علت وجود افراد مختلف از اقوام متفاوت در کشورهای چند فرهنگی و به تبع آن تفاوت در نوع دیدگاه ها و نحوه ی زندگی آن ها، یکی از مسائل مهم در این گونه جوامع، ایجاد تعامل بین اقوام گوناگون است به نحوی که بتوانند با صلح و آرامش و بدون اختلاف نظرهای مشکل ساز و دغدغه ی خاطر در کنار یکدیگر زندگی کنند.

بر اساس آنچه گفته شد می توان گفت، همزیستی، حالتی ذهنی و در عین حال رفتاری، است که اعضای یک جامعه در آن شریک اند و حقوق گروه دیگر را به عنوان یک شریک مشروع و برابر که بایستی اختلافات فی مابین را به شیوه های غیر خشونت آمیز با آن ها حل کرد به رسمیت می شناسند؛ بنابراین باهم زیستن به طبقه ی کمترین روابط میان گروهی مثبت<sup>۲</sup> تعلق دارد و عمدتاً برای یک حالت روابط بین دو کشور مختلف که در نتیجه ی یک تعارض مهارناپذیر زندگی می کنند به کار می رود. همچنین ترویج ایده ی همزیستی برای روابط میان گروهی داخل یک کشور که در آن یک گروه، گروه دیگر را مورد استثمار و تبعیض قرار داده کاربرد دارد. نوع اخیر همزیستی کمتر پسندیده است، زیرا ممکن است اشاعه ی همزیستی به عنوان داشتن هدف همیشگی کردن روابط نابرابرانه و تبعیض آمیز در چارچوب ترویج ایده ی باهم زیستن در نظر گرفته شود.

### همزیستی مسالمت آمیز و تعلیم و تربیت

بشر در رویارویی با بسیاری از چالش های بالقوه ی آینده، تعلیم و تربیت را به سرمایه ای ضروری در تلاش برای واقعیت بخشیدن به آرمان های صلح، آزادی و عدالت اجتماعی تلقی می کند. اگرچه تعلیم و تربیت نقشی اساسی در توسعه ی فردی و اجتماعی ایفا می کند، با این وجود تعلیم و تربیت نوسداری نیست که بتوان به کمک آن به همه ی آرمان ها دست یافت، بلکه فقط یکی از ابزارهای موجود برای پیشبرد شکل هماهنگ تر و دقیق تر توسعه ی انسانی و در نتیجه کاهش فقر، محرومیت، جهل، ظلم و جنگ محسوب می شود.

نتایج برخی پژوهش ها نیز نشان می دهد که ورود تعلیم و تربیت به مقوله همزیستی گروه ها و فرهنگ های مختلف می تواند پیامدهای مناسبی داشته باشد. از جمله عسکریان (اسکارینا، ۲۰۱۶). در مقاله ی خود آورده است، در جوامع چند قومیتی مانند ایران، به کارگیری فرهنگ های قومی در آموزش رسمی و اشاعه ی آن از طریق برنامه ی درسی زمینه ی پیوند اقوام و نژادهای جامعه را به وجود می آورد و باعث وحدت بخشیدن بین فرهنگ ها و وحدت ملی می شود. غریبی (۱۴۰۰) نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که توجه به فرهنگ ها و زمینه های فرهنگی متفاوت در آموزش و یادگیری می تواند به اقتضای ضرورت های جهانی، سازگاری اجتماعی و قابلیت زندگی مسالمت آمیز را بالا برده و ملزومات شکل گیری هویت های سازگار را فراهم نماید. همچنین عراقیه و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله ی خود وظیفه ی آموزش و پرورش را فراهم کردن بسترهای مناسب در برنامه های درسی برای آشنایی با فرهنگ های مختلف بیان می کند.

<sup>۱</sup> - reconciliation

<sup>۲</sup> - minimal positive intergroup relations

یونسکو با تأکید بر ارزش تعلیم و تربیت به مثابه‌ی منشأ تجلی روحیه‌ی توافقی که از تمایل به زندگی با یکدیگر در یک جامعه که همگی در اندیشه و سازمان‌دهی سعادت نسل‌های آینده هستند ریشه می‌گیرد، به صلح و تفاهم متقابل کمک خواهد کرد (یونسکو، ۱۳۹۹: ۲۵).

یکی از وظایف تعلیم و تربیت را تلاش برای همزیستی حداقلی است؛ آموزش برای ایجاد همزیستی حداقلی نوعاً وقتی ضرورت پیدا می‌کند که اعضای جامعه به ایده‌هایی متضاد با اصول همزیستی معتقد باشند. وقتی که آنان دارای ذهنیتی روانی- اجتماعی باشند که مستوجب تعارض، تبعیض و یا استعمار گروه دیگر باشد، برای رسیدن به همزیستی حداقلی به‌عنوان یک حالت جدید از روابط میان گروه‌ها، تغییر این ذهنیت منفی لازم است. این تغییر از طریق تعلیم و تربیت انجام می‌شود.

یکی دیگر از وظایفی که بر عهده‌ی نظام‌های تعلیم و تربیت رسمی بسیاری از کشورها گذاشته است، تربیت شهروندانی خوب است که کم‌تحمّل هستند، هویت ملی یکسانی دارند و به حکومت تک قومی وفادارند. باوجودی که موضوع مذکور بی‌تردید هدف متعالی را دنبال می‌کند و حتی در شرایط تاریخی خاصی لازم و ضروری نیز خواهد بود، در بسیاری از موارد به ایجاد محرومیت و حتی نابودی بسیاری از اقوام و نژادهایی که فرهنگ، مذهب، زبان و اعتقاداتشان و با این به اصطلاح ایده آل‌های ملی مطابقت ندارد، خواهد انجامید (یونسکو، ۱۳۹۹: ۲۶۸). در همین راستاست که در بند ۲۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آمده است: آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هرکس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه‌ی فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل نماید.

نقش تعلیم و تربیت در آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز هم مهم و اساسی است و هم مشکل‌آفرین، چراکه هویت را به دو طریق می‌توان تفسیر کرد: اثبات تفاوت شخص با دیگران و کشف دوباره‌ی ریشه‌های فرهنگی وی و تقویت همبستگی جمعی که ممکن است برای هرکس تجربه‌ای مثبت باشد اما اگر سوءتفاهم پیش آید، ارتباط و گفتگو با فرهنگ‌های دیگر مشکل و یا تقریباً غیرممکن خواهد بود؛ بنابراین تعلیم و تربیت باید در پی آگاه کردن افراد از ریشه‌ها و اصالت خویش باشد، بطوریکه به آن‌ها نقطه‌ی مرجعی را نشان دهد که در مقام مقایسه با آن اشخاص قادر به شناخت موقعیت خود در جهان باشند و درعین حال باید به آنان بیاموزد که به فرهنگ‌های مختلف نیز احترام بگذارند. در این مورد باید به برخی از درس‌ها اهمیت فراوانی داد. مثلاً درس تاریخ اغلب حس هویت ملی را با نمایان‌تر کردن تفاوت‌ها و ستودن برتری‌ها، تقویت می‌کند، زیرا تدریس تاریخ کم‌وبیش بر مبنای نظریه‌ای غیرعلمی بنیان نهاده شده است و این حقیقت ساده ما را بر آن می‌دارد که به ورای تجربه‌های بلا واسطه‌ی خودمان نظر افکنیم و تفاوت‌های مردم را بشناسیم و بپذیریم که مردمان دیگر نیز تاریخی غنی و آموزنده دارند، پس شناخت فرهنگ‌های دیگر نه تنها ما را از یگانگی فرهنگ خویش بلکه از میراث مشترک همه‌ی انسان‌ها نیز آگاه می‌سازد (یونسکو، ۱۳۹۹: ۴۲).

آموزش و پرورش همچنین می‌تواند با آموزش حقوق بشر به همزیستی مسالمت‌آمیز کمک کند. آموزش حقوق بشر، تفاهم بین فرهنگی را به‌منظور کاهش تصویرهای غلط و دشمنی‌های میان گروهی به‌عنوان یکی از هدف‌های خود برگزیده است؛ زیرا ناآگاهی میان فرهنگی و دشمنی‌های ناشی از آن باعث وقوع خشونت‌های ویرانگر بین گروه‌ها شده است. این آموزش تلاش می‌کند تا با از میان برداشتن تصاویر دشمنی از اذهان دانش‌آموزان، تصویرهای کلیشه‌ای از دشمن را از ذهنیت آنان زدوده، نوع رابطه و نگرش‌ها میان اعضای گروه‌ها را تغییر دهد تا نهایتاً اعضای گروه‌های دیگر پذیرفته شوند و انسانیتی که در درون همه‌ی افراد وجود دارد مورد احترام قرار گیرد.

وظیفه‌ی تعلیم و تربیت از یکسو آموزش تفاوت‌های نژادهای مختلف بشر و درعین حال آگاهی از شباهت‌های بین آن‌ها و رابطه‌ی متقابل تمام انسان‌هاست؛ بنابراین مدارس باید از همان دوران کودکی از هر فرصتی استفاده کنند و این دو مورد را به کودکان بیاموزند. بعضی از موضوعات خصوصاً برای این منظور بسیار مناسب هستند. مثلاً جغرافیای انسانی در دوره‌ی ابتدایی و بعدازآن آموزش زبان خارجی و ادبیات. پس تعلیم و تربیت باید به ایجاد نوع دوستی تازه‌ای که اجزای اخلاقی لازم را در خود داشته باشد کمک کند و با آگاهی از فرهنگ‌ها و ارزش‌های معنوی تمدن‌های مختلف و احترام به آن‌ها به‌عنوان وزنه‌ی تعادل در مقابل پدیده‌ی جهانی شدن به آن اهمیت بدهد.

## ۲- روش شناسی

رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر، کیفی می‌باشد. در پژوهش حاضر ابتدا از طریق تحلیل کیفی ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به تحلیل ابعاد و مولفه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز پرداخته شده و در ادامه برای پاسخ به سوال اول و دوم و سوم، از روش تحلیلی و استنتاجی استفاده شده است.

## ۳- بحث درباره یافته‌ها

پاسخ به سوال اول پژوهش: مولفه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین کدامند؟

مولفه‌های همزیستی مسالمت آمیز با توجه به گزاره‌های هریک از ساحت‌ها دسته بندی شده است.

### ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی

- پذیرش آزادانه و آگاهانه دین اسلام
- تلاش مداوم جهت ارتقای ابعاد معنوی وجودی خویش و دیگران از طریق برقراری ارتباط با خداوند (عبادت و تقید به احکام دینی) و دعوت سایرین به دین‌داری و اخلاق‌مداری

### مولفه اول: انتخاب آزادانه

### مولفه دوم: برقراری ارتباط سازنده

### ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

- تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی با درک موقعیت اقتصادی خود و جامعه و تلاش برای بهبود پیوسته آن
- درک و فهم مسائل اقتصادی خود و جامعه (در زمینه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی)
- تلاش فردی و جمعی برای تحقق غنا، کفاف، عمران، رشد و استقلال اقتصادی، حفظ و پیشرفت ثروت ملی، افزایش بهره‌وری، تأمین رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی و شناسایی عوامل فقر، فساد و تبعیض و تلاش جهت مقابله با آن‌ها در سطح ملی و جهانی در جهت تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن، بر اساس نظام معیار اسلامی.

### مولفه سوم: درک متقابل

### مولفه چهارم: بسط عدالت همه جانبه

### ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی

- بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه در پرتو نظام معیار اسلامی؛
- درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه یا تحولات اجتماعی و سیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی
- توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران در پرتو درک و اصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و همشهریان و هم‌وطنان و ...)
- برقراری رابطه سازنده و مناسب با ایشان بر اساس نظام معیار اسلامی و کسب صفاتی جمعی نظیر احسان، مهرورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق، همدلی و مسالمت‌جویی
- آمادگی جهت تشکیل خانواده و حفظ و تداوم آن به‌مثابه مهم‌ترین نهاد تحقق‌بخش جامعه صالح بر اساس ارزش‌های نظام معیار اسلامی
- تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی‌هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش‌های اجتماعی در جهت شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی؛
- بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی
- مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق‌طلبی، حفظ کرامت و عزت، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی.

### مولفه پنجم: مواجهه خردمندانه با مسائل

### مولفه ششم: تعامل شایسته

### ساحت تربیت زیستی و بدنی

- درک ویژگی‌های زیستی خود و پاسخ‌گویی مسئولانه به نیازهای جسمی و روانی خویش
- تلاش پیوسته جهت حفظ و ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی خود و دیگران بر اساس نظام معیار اسلامی؛
- بصیرت نسبت به سبک زندگی انتخاب شده و ارزیابی پیامدهای آن درباره خود، جامعه و طبیعت بر اساس نظام معیار اسلامی؛
- تلاش فردی و جمعی برای حفظ و ارتقای سلامت و ایمنی افراد جامعه در سطح محلی، ملی و جهانی براساس نظام معیار اسلامی؛
- کوشش مداوم فردی و جمعی برای حفاظت از محیط‌زیست و احترام به طبیعت بر اساس نظام معیار اسلامی؛

### مولفه هفتم: بصیرت افزایی

### مولفه هشتم: احترام به دیگران

#### ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری

- درک معنای پدیده‌ها و هدف رویدادهای طبیعت / هستی برای دست‌یابی به درک کلی از جهان هستی و جایگاه خویش در آن بر اساس نظام معیار اسلامی؛
- رمزگشایی و رمزگردانی از پدیده‌های آشکار و پنهان طبیعت / هستی و ابراز آن به زبان هنری؛
- درک زیبایی‌های جهان و آفرینش به‌منزله مظاهر جمال و کمال الهی و ارتقای ذائقه زیباشناسانه خود؛
- بهره‌گیری از قدرت تخیل خود در خلق آثار هنری باهدف حفظ تعالی میراث هنری در سطح ملی و جهانی.

#### مولفه نهم: توجه به تفاوت های فرهنگی

#### مولفه دهم: توجه به جهان هستی

#### ساحت تربیت علمی و فناوری

- شناخت و بهره‌گیری از نتایج تجارب متراکم بشری در حوزه علم و فناوری بر اساس نظام معیار اسلامی
- بهره‌گیری و ارزیابی از یافته‌های علمی و فناورانه و ایجاد خلاقیت و نوآوری در آن‌ها جهت کشف صورت‌های جدید واقعیت یا خلق روش‌ها و ابزارهای نوین برای وصول به اهداف متعالی در چهارچوب نظام معیار اسلامی
- برنامه‌ریزی و اجرای آگاهانه فعالیت‌های علمی پژوهشی برای دست‌یابی خود و جامعه به آینده مطلوب بر مبنای نظام معیار اسلامی
- برقراری ارتباط سازنده با طبیعت از طریق شناخت و استفاده از طبیعت باهدف تکریم، تسخیر، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در فعالیت‌های علمی در سطح

#### مولفه یازدهم: آینده نگری

#### مولفه دوازدهم: توجه به نظام معیار اسلامی

پاسخ به سوال دوم پژوهش: ابعاد همزیستی مسالمت آمیز در ساحت‌های شش گانه سند تحول بنیادین کدامند؟

### ۱- احترام به حقوق دیگران

«حسن همجواری» تنها یک اصطلاح سیاسی در ارتباط میان کشورها نیست، و تنها کاربرد بین المللی ندارد. میان اهل یک محل، یا در روابط دو همسایه نیز مطرح است. داشتن بهترین خانه، اما با همسایه ای بد و ناهنجار و مردم آزار، مفت هم گران است! افراد عاقل و هوشیار، در جایی خانه می خردند که محلش خوب و همسایگانش سالم و بافرهنگ باشند. وگرنه، یا باید خانه را عوض کنند، یا عمری در رنج و عذاب به سر برند. توجه به همسایه در خریدن و ساختن خانه، مغازه و محل کار، نشانه خردمندی است.

### ۲- حق حیات و امنیت

امنیت دارای ابعاد چندی است که مهم‌ترین آنها، امنیت فردی و اجتماعی است. از شاخه‌های امنیت اجتماعی می‌توان به امنیت سیاسی و نیز امنیت انتظامی و امنیت نظامی اشاره کرد. امنیت انتظامی در چارچوب امنیت داخلی و امنیت نظامی در چارچوب امنیت خارجی معنا می‌یابد. بنابراین، باید گفت که امنیت سیاسی و همچنین انتظامی و نظامی با امنیت اجتماعی پیوند عمیقی دارد؛ زیرا امنیت اجتماعی به‌دنبال ایجاد امنیت و آسایش زیست جمعی و مدنی افراد از طریق قوانین و اقامه نظم و حکومت است. این امنیت در ساختار امنیت انتظامی معنا پیدا می‌کند. البته دستیابی به چنین امنیتی مستلزم تامین امنیت نظامی است؛ زیرا در صورت تجاوز کشورها و جوامع دیگر، امنیت اجتماعی جامعه به خطر می‌افتد. بنابراین امنیت نظامی نیز در ارتباط با امنیت اجتماعی است.

### ۳- آزادی از هوای نفس

هوای نفس عبارت است از تمایلات و خواسته‌های نفسانی که از جنبه مادی انسان سرچشمه گرفته و در جهت تقویت بعد حیوانی انسان عمل می‌نماید و او را به سوی انحطاط و سقوط سوق می‌دهد، این تمایلات زودگذر و فانی ابتدا در قالب آرزوها و سپس به تدریج در قالب خواسته‌های جدی ظهور می‌نمایند و در نهایت به تلاش و کوشش برای دستیابی به آن‌ها می‌انجامند.

به عبارت دیگر در تقابل بین دو بعد ملکوتی و خاکی انسان هوای نفس، میل‌ها و خواسته‌هایی است که بعد خاکی آدمی را طراوت بخشیده و در جهت سیطره آن بر تمام حقیقت انسان برمی‌آید و برای خاموش نمودن چراغ عقل که بعد ملکوتی را روشن می‌ساخته تلاش می‌کند، و در نهایت مانع حرکت انسان به سوی کمال واقعی و رشد معنوی و تعالی روحی او می‌گردد و یا لاقبل سرعت او را کند می‌نماید.

#### ۴- حق دفاع و احقاق حق

یکی از حقوق که هرکس باید بتواند از آن برخوردار شود، مراجعه آزادانه به دادگاه و محاکم قضایی و درخواست رسیدگی از سوی دادگاه است. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز این حق را برای هرکس محفوظ دانسته و می‌گوید: هرکس، با مساوات کامل، حق دارد دعوای خود را به وسیله دادگاهی مستقل و بی طرف منصفانه و علنی مورد رسیدگی قرار دهد.

#### ۵- عدالت و مساوات

عدالت دارای ابعاد گوناگونی است که یکی از آنها، عدالت تربیتی مفهومی ذومراتب است که تحقق کامل آن منوط به تحقق همه مراتب آن است. در مرتبه نخست عدالت تربیتی ناظر به وجود داشتن تربیت است در این مرتبه باید سازوکارها و امکانات لازم به صورت رایگان و اجباری برای حق بر تربیت وجود داشته باشد. در مرتبه بعد عدالت تربیتی ناظر به قابلیت دسترسی آن است. یعنی باید امکانات و فرصت‌های تربیتی در حد نصاب ضروری و مطلوب برای همگان برابر بوده و تبعیض‌های قومی، نژادی، جنسی، مذهبی و طبقاتی در زمینه حق بر تربیت برطرف شود. در مرتبه بالاتر عدالت ناظر به فراهم نمودن کیفیت قابل قبول در خدمات تربیتی است. به عنوان مثال بهداشت و سلامتی محیط یادگیری، وسایل و امکانات آموزشی مناسب و معلمان با صلاحیت. آخرین مرتبه عدالت آموزشی نیز انطباق جریان تربیت با نیازهای فردی و اجتماعی متربیان است. در این مرتبه باید تربیت با نیازهای ویژه آحاد اجتماع همخوانی داشته باشد (سند فلسفه تربیت، ۱۳۸۹، ص ۶۲). بر همین اساس مفهوم عدالت تربیتی در این پژوهش بر مبنای تعریف سند تحول بنیادین می‌باشد و همه جنبه‌های تعلیم و تربیت را دربرمی‌گیرد.

**پاسخ به سوال سوم پژوهش: دلالت‌های تربیتی همزیستی مسالمت آمیز در ساحت‌های شش گانه سند تحول بنیادین کدامند؟**

#### ۱-۳-۱۴ اهداف تربیتی:

#### کسب شایستگی حضور در جمع

این هدف تربیتی که مبتنی بر مبنای انسان‌شناسی «انسان مدنی بالطبع است» می‌باشد در واقع یکی از چشم‌اندازها یا اهداف ما در یادگیری برای باهم زیستن را نشان می‌دهد که در فعالیت‌های تربیتی خود، باید آن را مدنظر قرار دهیم. موضوع این هدف کسب شایستگی‌های زندگی در میان جامعه است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به هم نوعان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسئولیت اقدام کند. در این هدف تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز مقصود آشنا ساختن فرد با روحیات اجتماعی و آموختن راه و رسم زندگی کردن با دیگران و آنگاه پرورش روحیه‌ی تعهد و التزام عملی به انجام وظایف خویش است.

در خصوص اهمیت توجه به این هدف در نهج البلاغه آمده است: اولین ندایی که از بشر برخاست و برای اولین بار بشر را دعوت نمود که به امر اجتماع اعتنا و اهتمام بورزد و آن را از کنج اهمال و زاویه تبعیت حکومت‌ها خارج نموده و موضوعی مستقل و قابل بحث حساب کند ندایی بود که شارع اسلام و خاتم انبیا (ص) افضل الصلوه والسلام سر داد و مردم را دعوت کرد به اینکه آیاتی را که از ناحیه پروردگارش به‌منظور سعادت زندگی اجتماعی و پاک‌ی آنان نازل شده پیروی کنند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۶۷).

با توجه به این هدف تربیتی است که امام علی(ع) از تفکر اجتماعی به‌عنوان راه‌حل اختلافات بشری سخن می‌گوید و معتقد است افراد جامعه باید همواره به نفع اجتماع فکر کنند و از خودخواهی بپرهیزند، یعنی نفع خود را در نفع جامعه و ضرر خود را در ضرر جامعه بدانند و برای اقدام به هر کار یا تصمیمی قبل از نفع خود، مصالح و منافع جامعه را در نظر بگیرند و هرگز به کاری که به ضرر جامعه است اقدام نکنند؛ حتی اگر برای خودشان سود داشته باشد. با چنین طرز تفکری، جامعه دارای شخصیت واحدی می‌گردد و اختلاف از آن رخت می‌بندد

#### تحقق عدالت تربیتی

این هدف همزیستی یادگیری برای باهم زیستن که بر پایه‌ی مبانی انسان‌شناسی «انسان‌ها در خلقت با یکدیگر برابرند» و «انسان دارای کرامت ذاتی است»، تنظیم شده است نشان می‌دهد که برای گروه‌ها و اقوام و طبقات مختلف جامعه باید تلاش شود که از فرصت‌های تربیتی عادلانه

برخوردار شوند؛ چراکه «عدالت اساسی‌ترین ارزش اجتماعی است که معیار آن رعایت حقوق افراد، متناسب با وسع و ویژگی‌های آنان است» (صادق زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۱). اگر عدالت و برابری میان گروه‌ها برقرار نشود، با اعمال قدرت و فشار گروه قوی تر، همزیستی تحمیلی میان گروه‌ها به وقوع می‌پیوندد که در آن گروه ضعیف تر، مقهور شده و با اکراه سازش را می‌پذیرد و چون در این سازش احقاق حقوق صورت نگرفته است احتمال خشونت و کشمکش وجود دارد.

پس با توجه به آنچه گفته شد برای تحقق عدالت تربیتی در همزیستی مسالمت‌آمیز باید مریبان در رفتارهای خود متوجه پرهیز از هرگونه تبعیض میان افراد با گروه‌ها و طبقات مختلف باشند و این را به متریبان خود نیز بیاموزند که با توجه به مبانی برابری و کرامت ذاتی انسان‌ها و مطابق این هدف تربیتی، در رفتارها و تعاملات مرتبط با یادگیری برای باهم زیستن، تلاش کنند که به سطوح گفته‌شده در عدالت تربیتی نائل شوند.

### تحقق آزاداندیشی

این هدف تربیتی که بر اساس مبنای انسان‌شناسی «انسان در پذیرفتن اندیشه‌ها و عقاید آزاد است» استنتاج شده است، نشان از آن دارد که متریبان در مواجهه‌ی با دیگران باید از یکسو خود در پذیرش آرای دیگران آزادی داشته باشند و از سوی دیگر به آزادی دیگران در پذیرش آزادانه‌ی آرا و اندیشه‌ها توجه داشته باشند.

در خصوص جایگاه آزاداندیشی در اسلام علامه معتقد است: می‌بینیم که در سایر رژیم‌ها، زورمندان عقیده و فکر خود را بر نفوس تحمیل می‌کنند و با زور و توسل به شلاق و شمشیر و یا چماق تکفیر و یا قهر کردن و روی گرداندن و ترک آمیزش و... غریزه تفکر را در انسانها می‌میرانند، ولی ساحت مقدس اسلام و یا به عبارت دیگر ساحت «حق و دین قویم» منزّه از آن است و حتی منزّه از تشریح حکمی است که این روش را تأیید کند (طباطبایی، ۱۳۸۸ د، ج ۴: ۲۰۷).

نکته‌ی مهمی که در آزادی اندیشه باید بدان توجه داشت این است که آزادی اندیشه به این معنا نیست که در ارائه‌ی هر آنچه به ذهنمان رسید آزاد باشیم. علامه در این رابطه می‌نویسد: این قسم از آزادی به ما اجازه نمی‌دهد که نظریه شخصی خود را و یا شبهه‌ای را که داریم قبل از عرضه به قرآن و به رسول خدا (ص) و به پیشوایان هدایت، در بین مردم منتشر کنیم برای اینکه انتشار دادنش در چنین زمانی در حقیقت دعوت به باطل و ایجاد اختلاف بین مردم است آن‌هم اختلافی که کار جامعه را به فساد می‌کشاند؛ و این طریقه بهترین طریقه‌ای است که می‌توان به‌وسیله آن امر جامعه را تدبیر و اداره کرد چون هم در تکامل فکری را بر روی جامعه باز می‌گذارد و هم شخصیت جامعه و حیات او را از خطر اختلاف و فساد حفظ می‌کند..

### پرورش سعه‌ی صدر و توانایی درک و پذیرش تفاوت‌ها

هدف تربیتی مذکور از مبنای انسان‌شناسی «انسان‌ها به لحاظ نژاد، قومیت و عقاید باهم متفاوت‌اند» و مبنای ارزش‌شناسی «گروه‌ها، آیین‌ها و اقوام مختلف قابل احترام هستند تا جایی که به ارزش‌های جامعه‌ی اسلامی لطمه نزنند» استنتاج شده و بر برخورد توأم با سعه‌ی صدر با اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت دیگران تأکید دارد. بدیهی است در آموزش اصول و روش‌های مرتبط با این هدف، متریب باید بیاموزد که سعه‌ی صدر و احترام تا زمانی وجود دارد که آرا و اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت - و گاه متعارض - آسیبی به ارزش‌های اسلامی وارد نکند.

این هدف تربیتی می‌تواند به‌منظور نزدیک کردن اقوام و خرده‌فرهنگ‌های متعدد و متنوع در جامعه استفاده شود تا به شکل‌گیری، تثبیت و ارتقای فرهنگ و ارزش‌های مشترک در جامعه پردازد؛ بنابراین هدف بیان‌شده می‌تواند در جهت بهبود روابط افراد جامعه مدنظر قرار گیرد؛ زیرا افراد تا هنگامی که از یکدیگر فاصله بگیرند و تحمل شنیدن دیدگاهی جز دیدگاه خود را نداشته باشند، قادر نیستند فراتر از چهارچوب اطلاعات و تجارب خود بیندیشند و یا به تجزیه و تحلیل بی‌طرفانه‌ی آرای دیگران پردازند؛ بنابراین ضمن عدم درک متقابل یکدیگر، نمی‌توانند روابط مسالمت‌آمیز و یکپارچه‌ای داشته باشند.

### پرورش روحیه‌ی پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز

این هدف تربیتی یادگیری برای باهم زیستن، منطبق بر مبنای انسان‌شناسی «فطرت الهی انسان با صلح و همزیستی سازگار است» و مبنای ارزش‌شناسی «در اسلام اصالت با صلح و همزیستی است نه جنگ و تعارض» بوده و به دنبال آن است که متریبان را به‌گونه‌ای تربیت کند که دارای روحیه‌ای باشند که بجای گرایش به تعارض و کشمکش، به همزیستی مسالمت‌آمیز گرایش و کشش داشته باشند. مفهوم «اصلاح ذات بین» که قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی مبارکه‌ی انفال صراحتاً به آن توصیه می‌کند، ازجمله مفاهیمی است که در نهج البلاغه نیز به آن پرداخته شده است و ناظر بر اولویت صلح در جامعه‌ی اسلامی است.



موارد فوق تنها بخشی از نمونه‌های متعددی است که نشان می‌دهد مثنی اسلام و مذهب تشیع و هدف آنان همواره گرایش به همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران و استقبال از این وضعیت بوده است، مگر آنکه گروه مقابل ضرر و زبانی برای جامعه‌ی مسلمین داشته باشند که در آن صورت تجویز اسلام دفاع و مبارزه با کسانی است که قصد تجاوز دارند.

بر همین اساس در یادگیری برای باهم زیستن نیز مل باید به این اصل توجه داشته باشیم و در مواجهه‌ی با دیگران اصل را بر همزیستی میان خود و دیگران قرار داده و به زندگی با یکدیگر استقبال کنیم.

### کسب توانایی اعتبارسنجی ارزش‌ها با معیار «عقل مبتنی بر شرع»

این هدف تربیتی بر مبنای ارزش‌شناسی «ملاک اعتبار ارزش‌ها، «عقل مبتنی بر شرع» است» تدوین شده و بر اساس آن تلاش می‌شود متری هنگام برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران و در برخورد با آرا و اندیشه‌ها و نیز رفتارهای متفاوت، منفعل نباشد و به‌صورت فعال به اعتبارسنجی ارزش‌های آشکار یا پنهان حاکم بر آن اندیشه‌ها و رفتارها پردازد و در پذیرش یا رد آن رفتارها و اندیشه‌ها از ملاک «عقل مبتنی بر شرع» استفاده کند.

بنابراین یکی از اهداف یادگیری برای باهم زیستن باید توجه به حاکمیت عقل مبتنی بر شرع برای مواجهه‌ی فعالانه در مقابل آرا، اندیشه‌ها، رفتارها و ارزش‌های متفاوت و گاه متناقض باشد.

### پرورش روحیه‌ی «حق خواهی و تعالی طلبی» به‌عنوان مقصد همزیستی مسالمت‌آمیز

این هدف تربیتی یادگیری برای باهم زیستن، مبتنی بر مبنای ارزش‌شناسی «با صلح و همزیستی گرایش به سوی حق و دستیابی به رشد و تعالی امکان‌پذیرتر است» بوده و بر اساس آن تلاش می‌شود متریان بیاموزند که روابط همزیستی مسالمت‌آمیز را از یکسو برای رسیدن به حق و هدایت برقرار کنند و از سوی دیگر هدف نهایی‌شان از برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز، رشد و تعالی انسانی خود، دیگران و نهایتاً جامعه باشد.

بر اساس این هدف، فرد می‌آموزد که گاهی در تعامل با دیگران، برای رسیدن جامعه به کمال و سعادت، از رشد و کمال خود چشم‌پوشی کند؛ اگرچه کمال جامعه نیز نهایتاً سعادت و کمال فرد را در بر دارد.

### ۴-۱۴ اصول یادگیری برای باهم زیستن

برای پاسخ به این سؤال پژوهشی لازم است که به احصاء و بررسی اصول یادگیری باهم زیستن پردازیم. این اصول که همانا الزاماتی هستند که در فرایند یادگیری باهم زیستن باید بدان‌ها توجه داشت، از گزاره‌های تجویزی (اهداف) و گزاره‌های توصیفی (مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی) برگرفته از تفسیر میزان استنتاج شده‌اند. برای دستیابی به این اصول اغلب از استنتاج پیش‌رونده استفاده شده است؛ به این ترتیب که با استفاده از مبانی و اهداف مرتبط با یکدیگر، یک یا چند اصل تربیتی استنتاج شده است. در این میان ممکن است یک اصل برگرفته از یک هدف، یک مبنا، یا ترکیبی از اهداف یا مبانی باشد؛ مهم این است که این اصول ضرورتاً دارای پشتوانه‌ای از گزاره‌های توصیفی (مبانی) یا تجویزی (اهداف) یا هر دو این‌ها هستند. در ادامه به مطالعه و بررسی این اصول پرداخته و در ذیل هر اصل، به مبانی و/ یا اهدافی که بنیان آن اصل هستند نیز اشاره می‌شود تا از این طریق استدلال انجام‌شده مشخص شود.

### اصل برقراری ارتباط مؤثر با دیگران

این اصل از هدف تربیتی «کسب شایستگی حضور در جمع» که خود برگرفته از مبنای انسان‌شناسی «انسان مدنی بالطبع است»، استنتاج شده است. یکی از اصول تعلیم و تربیت در سراسر جهان، با شکل‌های متفاوتی که دارد، توجه به پیوندهای اجتماعی میان افراد بر اساس دلبستگی‌های مشترک است. راه‌های رسیدن به این اهداف نیز به همان اندازه‌ی فرهنگ‌ها و شرایط محیطی متنوع هستند، اما در هر حال هدف اصلی تعلیم و تربیت، تکامل شخص در مقام موجودی اجتماعی است. تعلیم و تربیت عامل حرکت و جابجایی فرهنگ‌ها و ارزش‌هاست و محیطی را فراهم می‌کند که در آن جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد (یونسکو، ۱۳۹۶: ۴۵).

مطابق این اصل تربیتی، افراد باید در زندگی اجتماعی خود با دیگران و همزیستی با آن‌ها، ارتباط فعال و مؤثر داشته باشند. فعال بدین معنی که منفعل نباشند و این‌طور نباشد که در هر صورت از دیگران تأثیر بپذیرند، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری باید متناسب و متوازن باشد. فردی که بر اساس اندیشه‌های قرآن کریم تربیت می‌شود باید برای اعتلای خود و دیگران هم تأثیر بپذیرد و هم تأثیر بگذارد. مهم این است که این تأثیر گرفتن و تأثیر پذیرفتن‌ها در جهت اعتلای بعد انسانی خود و دیگران باشد. به اعتقاد علامه تماس و ارتباط افراد باهم باعث می‌شود باور آن‌ها از طریق تأثیر متقابل به یکدیگر متصل شود و آن‌ها را به وحدت برساند.

بنابراین، بر اساس این اصل تربیتی، برای رسیدن به همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع نیاز است که اعضای جامعه با یکدیگر تعامل پویا و فعال داشته و البته این تعامل را در جهت هم‌افزایی و پیشبرد اهداف یکدیگر در امور خیر به کار ببرند.

### اصل ارزشمند شمردن حرمت انسانی

این اصل از هدف «تحقق عدالت تربیتی» استنتاج شده است که این هدف نیز خود بر دو مبنای انسان‌شناسی «انسان‌ها در خلقت با یکدیگر برابرند» و «انسان‌ها دارای کرامت ذاتی‌اند» مبتنی است. حفظ حرمت و شخصیت افراد، به ویژه از سوی کسانی که با هم انس و الفتی دارند، موجب استحکام روابط آنان خواهد شد و هرگز نباید به دلیل ارتباط صمیمانه، از این مهم غفلت ورزید. آموزه‌های علوی، ضمن تحفظ بر اصول و بنیادهای فکری خود، به سبب خوانش کرامت مدارانه از انسان، همواره موافق و مروج همزیستی مسالمت‌آمیز بوده و در این میان توجه به کرامت انسان‌ها را به‌عنوان یک اصل سرلوحه کار خود قرار داده است. در رابطه با ارزشمند شمردن حرمت انسان‌ها، ذیل مبنای «انسان‌ها دارای کرامت ذاتی هستند» به‌طور مفصل به توضیح این مفهوم در نهج البلاغه پرداخته شده است.

بر اساس آنچه گفته شد، مربیان باید هنگام آموزش یادگیری برای باهم زیستن اولاً خود مواظب باشند که هنگام انجام روش‌های تربیتی، با متریبان به گونه‌ای برخورد کنند که شخصیت متربی حفظ شود، ثانیاً در رفتارهایشان مواظب باشند شأن و حرمت انسانی خودشان به عنوان مربی نیز حفظ شود و ثالثاً به متریبان نیز بیاموزند که ارزشمندی حرمت انسانی دیگران و کرامت ذاتی آنان را مورد توجه قرار دهند. در این صورت است که همزیستی مسالمت‌آمیز نیز محقق خواهد شد و افراد با هم زیستن را خواهند آموخت.

### اصل توجه به شؤون فردی و اجتماعی

این اصل از هدف «تحقق عدالت تربیتی» استنتاج شده است که این هدف نیز خود بر سه مبنای انسان‌شناسی «انسان‌ها در خلقت با یکدیگر برابرند»، «انسان‌ها به لحاظ نژاد، قومیت و عقاید باهم متفاوت‌اند» و «انسان‌ها دارای کرامت ذاتی‌اند» مبتنی است. خوب است در نگاه اول به همه ی این اختلافات با دید مثبت و رحمت‌آمیز نگریسته شود، زیرا اختلافات و مشاجرات، نظر به تفاوت‌های شخصیتی، جنسیتی و ساختاری افراد امری کاملاً طبیعی و ضروری بوده و چه بسا زمینه ساز رشد و تعالی افراد، اخذ تصمیمات سازنده و هدف‌گیری‌های بدیع شود.

با این وجود می‌توان گفت توجه به تنوع و تفاوت‌ها و یگانه بودن، اصلی بنیادین است که باید در فرایند تعلیم و تربیت در نظر گرفته شود. نظام‌های تعلیم و تربیت رسمی را اغلب بحق متهم به جلوگیری از رشد و تکامل فردی می‌کنند، زیرا همه ی کودکان را بدون توجه کافی به تفاوت‌های استعدادی شخصی آنان در یک قالب فکری و فرهنگی یکسان قرار می‌دهند. این نظام‌ها، مثلاً بر پیشرفت دانش مطلق به قیمت آسیب رساندن بر قابلیت‌های دیگر مثل قوه ی تخیل، توانایی برقراری ارتباط با دیگران، رهبری، حس زیبایی یا بعد معنوی هستی و یا مهارت هنرهای دستی تاکید می‌ورزند. بنابراین کودکان که بسته به استعدادها و تمایلات طبیعی خود از بدو تولد با هم تفاوت دارند، از منابع آموزشی اجتماعی دقیقاً به یک میزان بهره نمی‌جویند. اگر مدرسه با استعدادها و آرزوهای سازگاری نداشته باشد، چه بسا که آنان از مسیر آموزش دور بمانند (یونسکو، ۱۳۹۶: ۴۹).

در اندیشه اسلامی و علوی انسان‌ها از یک مرد و زن آفریده شده‌اند، تنوع و تکثر آن‌ها عارضی است و نزد خداوند تنها تقوی است که ارزش راستین قلمداد می‌شود. بر پایه‌ی این اصل باید با افراد و گروه‌هایی که به‌واسطه‌ی عواملی چون نژاد، قوم، مذهب، زبان، فرهنگ، رنگ، جنس، توانایی‌ها و ویژگی‌های جسمی و روحی متمایز از دیگران هستند، متناسب با شرایطشان رفتار کرد. این تفاوت‌ها نباید دستاویزی برای اتخاذ رویکردهای تبعیض‌آمیز در برابر آن‌ها قرار گیرد؛ در این رابطه مرحوم علامه به‌طور مشخص در تفسیر آیه‌ی «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» به این نکته اشاره کرده و معتقد است این تفاوت‌ها باید برای شناخت یکدیگر قرار گیرد، نه اینکه دلیلی برای رفتارهای تبعیض‌آمیز (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۹۵).

بنابراین در صورتی که هر یک از افراد جامعه این اصل را بپذیرند، می‌توان انتظار داشت افراد یک جامعه با وجود اختلاف سلاطی، احساسات، دیدگاه و نگرش‌های مختلف؛ در صلح، آرامش و بدون هیچ‌گونه خشونت، درگیری‌های روحی، روانی و تعصب خاص زندگی کنند. بدیهی است توجه به این‌گونه تفاوت‌ها مانع از تلاش یک فرد یا گروه برای یک‌رنگ کردن جامعه شده و بر اساس این اصل است که توجه به تفاوت‌ها می‌تواند باعث همدلی و همراهی بیشتر شده و امکان همزیستی مسالمت‌آمیز را تسهیل کند.

### اصل توجه به تفکر آزادانه

این اصل تربیتی از هدف «تحقق آزاداندیشی» نتیجه گرفته شده‌اند که این اصل نیز بر مبنای انسان‌شناسی «انسان در پذیرفتن اندیشه‌ها و عقاید آزاد است» استوار است. این اصل، یکی از مهم‌ترین اصول در رسیدن به همزیستی مسالمت‌آمیز است و بر اساس آن باید موانع تفکر آزادانه را برطرف کرد، آن‌چنان‌که افراد بتوانند آزادانه عقاید خود را انتخاب کرده و بر اساس آن رفتار نمایند.

بر اساس همین اصل است که پیامبر (ص) و امام علی(ع) در تمام حوادث و رخدادها هرگز کفار و مشرکان را تفتیش عقاید نکردند، بآنکه از ابوسفیان و حارث بن هشام و عتاب بن اسد و خالد بن اسید، سخنانی شنید که دال بر کفر آنان و ملامت پیامبر و مسلمانان بود ولی آنان را مورد تعرض قرار نداد. همچنین امام علی(ع) نیز با خوارج تا زمانی که دست به قبضه شمشیر نبرده بودند مسالمت می نمودند.

بنابراین مطابق این اصل یادگیری برای باهم زیستن، مریبان باید تلاش کنند هرآنچه که باعث می‌شود متریبان بتوانند آزادانه در مورد یک مسئله بیندیشند را فراهم کرده تا از این طریق بتوانند به یک نتیجه‌ی برخاسته از آزادی و اختیار دست یابند؛ کما اینکه پیامبران نیز به عنوان مریبان و معلمان انسان‌ها موظف بوده‌اند موانعی را که فراروی انسان قرار دارد کنار بزنند تا او بتواند آزادانه و آگاهانه فکر کند و بر اساس آن تصمیم بگیرد و عمل کند.

### اصل توجه به نظام معیار اسلامی

این اصل تربیتی یادگیری برای باهم زیستن از هدف تربیتی «پرورش سعه‌ی صدر و توانایی درک و پذیرش تفاوت‌ها» حاصل شده است و این هدف نیز از مبنای انسان‌شناسی «انسان‌ها به لحاظ نژاد، قومیت و عقاید باهم متفاوت‌اند» و مبنای ارزش‌شناسی «گروه‌ها، آیین‌ها و اقوام مختلف قابل احترام هستند تا جایی که به ارزش‌های جامعه‌ی اسلامی لطمه نزنند» استنتاج شده است.

مطابق این اصل تربیتی در برخورد مسالمت‌آمیز با افراد، اندیشه‌ها و عقاید مختلف، باید از اندیشه‌ها و ارزش‌های اسلامی محافظت شود و این‌طور نباشد که برای رسیدن به شرایط همزیستی، اندیشه‌های ناب و صحیح اسلامی را نادیده بگیریم.

یکی از نکاتی که در خصوص این اصل باید به آن توجه شود ملاک اعتبارسنجی ارزش‌هاست. در برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران باید توجه داشته باشیم که ارزش‌ها و رفتارهایی از دیگران مورد تأیید است که منطبق با عقل مبتنی بر شرع باشد، در غیر این صورت نه تنها نمی‌توان ارزش‌ها و رفتارهای طرف مقابل را پذیرفت، بلکه باید آن‌ها را رد کرده و در تبیین اشکالات آن به طرف مقابل کمک کرد.

بنابراین مطابق این اصل یادگیری برای باهم زیستن مریبان باید به متریبان بیاموزند که هنگام برقراری روابط مسالمت‌آمیز با دیگران به نظام معیار اسلامی توجه داشته و از ارزش‌های اسلامی پاسداری کنند و ملاک اسلامی بودن ارزش‌ها نیز همانطور که گفته شد «عقل مبتنی بر شرع» است.

### اصل احترام به عقاید و اندیشه‌های دیگران

این اصل تربیتی یادگیری برای باهم زیستن از هدف تربیتی «پرورش سعه‌ی صدر و توانایی درک و پذیرش تفاوت‌ها» حاصل شده است و این هدف نیز از مبنای انسان‌شناسی «انسان‌ها به لحاظ نژاد، قومیت و عقاید باهم متفاوت‌اند» و مبنای ارزش‌شناسی «گروه‌ها، آیین‌ها و اقوام مختلف قابل احترام هستند تا جایی که به ارزش‌های جامعه‌ی اسلامی لطمه نزنند» استنتاج شده است.

تحمل و احترام به عقاید دیگران که پیش‌نیاز دموکراسی است باید یک امر خطیر تلقی شود و مدام مورد توجه قرار گیرد. ارزش‌ها را عموماً و تحمل عقاید دیگران را خصوصاً نمی‌توان در مفهومی صریح آموخت. بدین معنا که تمایل به تحمیل ارزش‌های از پیش تعیین شده از بیرون، نهایتاً به خنثی شدن آن‌ها خواهد انجامید، زیرا ارزش‌ها زمانی معنا پیدا می‌کنند که افراد آن‌ها را آزادانه انتخاب کنند. بنابراین، پیش از همه، تحمل نظر دیگران را باید از طریق مدرسه تمرین کرد. بدین معنا که مدارس می‌توانند دانش‌آموزان را در شنیدن دیدگاه‌های دیگران و نیز گفتگو در مورد مسائل و معضلات اخلاقی و راه‌های چاره‌ی آن کمک و تشویق کنند (عمیدزنجانی، ۱۳۹۹).

بر اساس این اصل، آرا و اندیشه‌های دیگران مورد احترام هستند و نباید هیچ‌گونه بی‌حرمتی به تفکرات، رفتارها و سنت‌های دیگران - صرفاً به این دلیل که با ما متفاوت است - صورت بگیرد. البته این احترام در صورتی است که اندیشه‌ها و عقاید و رفتارهای دیگران آسیبی به ارزش‌های اسلامی وارد نکند که در آن صورت دیگر احترام به آن عقاید و اندیشه‌ها معنایی ندارد.

### اصل تقدم همزیستی بر کشمکش

این اصل تربیتی برگرفته از هدف «تقویت روحیه‌ی پذیرش صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز» است که این هدف نیز منتج از مبنای انسان‌شناسی «فطرت الهی انسان با صلح و همزیستی سازگار است» و مبنای ارزش‌شناسی «در اسلام اصالت با صلح و همزیستی است نه جنگ و تعارض» است. مطابق این اصل تربیتی یادگیری برای باهم زیستن، متریبان باید توجه داشته باشند که در مراودات اجتماعی خود، همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران را اولویت بدانند؛ بدین معنی که تمام تلاش خود را مبدول بدارند که روابط توأم با مدارا و صلح و آرامش باشد.

پس مریبان باید در فعالیت ها و روش های تربیتی خود با سرلوحه قرار دادن این اصل تربیتی شرایط را برای ایجاد محیطی آرام، امن و بدون کشمکش و ناسازگاری در میان متریبان فراهم کرده و باهم زیستن را به آن ها بیاموزند.

### اصل توجه به نظریه‌ی اطلاق ارزش‌ها

این اصل یادگیری باهم زیستن از مبنای ارزش‌شناسی «ارزش‌ها سرچشمه در فطرت انسان‌ها دارند پس مطلق‌اند» استنتاج شده است. این اصل تربیتی بدین معنی است که متریبان ضمن برقراری روابط مسالمت‌آمیز، به این نکته توجه داشته باشند که حداقل برخی از ارزش‌ها از منظر اسلام مطلق بوده و این‌طور نیست که همه‌ی ارزش‌ها تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی باشند. به عبارتی در این اصل تربیتی باید متریبان نظریه اطلاق ارزش‌ها را مبنای برقراری روابط قرار دهند نه نسبییت ارزش‌ها را.

بر این اساس متریبان خواهند آموخت که در همزیستی مسالمت‌آمیز این‌طور نیست که هر اندیشه و رفتاری از دیگران موردپذیرش واقع شود، چراکه در این صورت ما قائل به نسبییت ارزش‌ها و یا تکثرگرایی هستیم که مورد تأیید قرآن کریم و به‌طور خاص تفسیر المیزان نیست. مطابق این اصل تربیتی، متریبان باید ضمن برقراری روابط مسالمت‌آمیز، همواره به ارزش‌های ثابت پایبند باشند و این‌طور نیست که برای جلب نظر دیگران (به‌منظور برقراری روابط مسالمت‌آمیز) از ارزش‌های ثابت خود عدول کرده یا آن‌ها را نادیده بگیرند و یا به ارزش‌هایی که با ارزش‌های مطلق خود در تضادند، معتقد شوند. در این میان ممکن است برای برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز، به ارزش‌های متضاد دیگران - تا زمانی که آسیبی به ارزش‌های ثابت اسلامی وارد نکند- احترام بگذارد، اما پذیرش آن ارزش‌ها و روی کردن به آن‌ها مورد تأیید آموزه‌های قرآن کریم نیست. در پایان، هریک از مبانی، اهداف و اصول یادگیری برای باهم زیستن بصورت متناظر با یکدیگر را برای باهم نگری در جدول ذیل خواهیم دید (جدول ۲).

**جدول ۱: مبانی، اهداف و اصول همزیستی مسالمت‌آمیز در ساحت‌های شش‌گانه تربیتی**

مبانی	اهداف	اصول
<b>انسان مدنی بالطبع است</b>	کسب شایستگی حضور در جمع	برقراری ارتباط مؤثر با دیگران
۱. انسان‌ها در خلقت با یکدیگر برابرند	تحقق عدالت تربیتی	ارزشمند شمردن حرمت انسانی
۲. انسان‌ها دارای کرامت ذاتی‌اند		
۱. انسان‌ها در خلقت با یکدیگر برابرند	تحقق عدالت تربیتی	توجه به شئون فردی و اجتماعی
۲. انسان‌ها به لحاظ نژاد، قومیت و عقاید باهم متفاوت‌اند		
۳. انسان‌ها دارای کرامت ذاتی‌اند		
<b>انسان در پذیرفتن اندیشه‌ها و عقاید آزاد است</b>	تحقق آزاداندیشی	توجه به تفکر آزادانه

<p>۱. توجه به نظام معیار اسلامی ۲. احترام به عقاید و اندیشه‌های دیگران</p>	<p>۱. پرورش سعه ی صدر و توانایی درک و پذیرش تفاوت‌ها ۲. کسب توانایی اعتبارسنجی ارزش‌ها با معیار «عقل مبتنی بر شرع»</p>	<p>۱. انسان‌ها به لحاظ نژاد، قومیت و عقاید باهم متفاوت‌اند ۲. گروه‌ها، آیین‌ها و اقوام مختلف قابل احترام هستند تا جایی که به ارزش‌های جامعه‌ی اسلامی لطمه نزنند. ۳. ملاک اعتبار ارزش‌ها، «عقل مبتنی بر شرع» است</p>
<p>تقدم همزیستی بر کشمکش</p>	<p>تقویت روحیه‌ی پذیرش صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز</p>	<p>۱. فطرت الهی انسان با صلح و همزیستی سازگار است ۲. در اسلام اصالت با صلح و همزیستی است نه جنگ و تعارض ۳. میان افراد با اقلیت‌ها و گروه‌های مختلف در جامعه عدم همزیستی وجود دارد. ۴. گروه‌ها و اقوام مختلف قابل احترام هستند تا جایی که به ارزش‌های جامعه‌ی اسلامی لطمه نزنند.</p>
<p>توجه به نظریه‌ی اطلاق ارزش‌ها</p>	<p>---</p>	<p>ارزش‌ها سرچشمه در فطرت انسان‌ها دارند پس مطلق‌اند</p>
<p>---</p>	<p>پرورش روحیه حق‌خواهی و تعالی طلبی به‌عنوان مقصد همزیستی مسالمت‌آمیز</p>	<p>با صلح و همزیستی گرایش به سوی حق و دستیابی به رشد و تعالی امکان پذیرتر است</p>

#### ۴- نتیجه گیری

بر اساس آنچه در خلاصه ی پاسخ به سوالات گفته شد مشاهده شد که ساحت های شش گانه تربیتی، ضمن تحفظ بر اصول و بنیادهای فکری خود، به سبب انسان شناسی و ارزش شناسی منحصر بفردی که دارد، همواره مدافع و بلکه مروج همزیستی مسالمت آمیز بوده و می توان ادعا کرد که برای یادگیری برای با هم زیستن برنامه دارد.

پژوهش حاضر تلاش کرده است این برنامه را در قالب پیامدهای تربیتی پیشنهاد و معرفی کند. برای دستیابی به این دلالت ها یا مولفه ها که عبارتند از مبانی، اهداف، اصول یادگیری برای باهم زیستن، نیاز به مفهوم روشنی از همزیستی مسالمت آمیز از منظر ساحت های شش گانه تربیتی است. لذا همزیستی مسالمت آمیز عبارت است از: تعامل توأم با آرامش و رفتارهای موجد صلح با بهره مندی همه ی طرف ها از صلح و آرامش و احترام به تفاوت ها و ارزش های یکدیگر به منظور دستیابی به رشد و تعالی فردی یا اجتماعی در چهار چوب ارزش های برخاسته از عقل مبتنی بر شرع. با مطالعه ی پیشینه و سایر تعاریف همزیستی مسالمت آمیز مشخص شد که ساحت های شش گانه تربیتی دارای یک تعریف جامع و مانع از همزیستی مسالمت آمیز است که با نگاه به مولفه های این تعریف می بینیم، برخلاف بسیاری از تعاریف، ساحت های شش گانه تربیتی ضمن توجه به رضایت پروردگار عنایت ویژه ای به جایگاه عقل در برقراری روابط مسالمت آمیز دارد.

برای دستیابی به این تعریف از همزیستی مسالمت آمیز، جامعه ی هدف باید مشخص باشد. در پژوهش پیش رو، با مراجعه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مشخص شد که همزیستی را می توان در ابعاد مختلف مورد توجه قرار داد. این ابعاد نشان از توجه دست اندرکاران سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به جایی جای جامعه ی اسلامی دارد و هیچ بخشی از جامعه را از همزیستی مسالمت آمیز از نظر دور نگه نداشته است؛ این درحالی است که پژوهش هایی که در پیشینه ی پژوهش بدان ها اشاره شد می دیدیم که هر کدام حداقل بخشی از جامعه را نادیده گرفته بودند.

#### پیشنهادات

- ۱- پیشنهاد می شود در پژوهشی به مقایسه مولفه های همزیستی مسالمت آمیز در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نگرش غرب صورت پذیرد.
- ۲- پیشنهاد می شود در پژوهشی به ارائه الگوی همه جانبه از همزیستی مسالمت آمیز برای تمامی نهادهای تربیتی انجام پذیرد.

## منابع

۱. ابراهیمی جویباری، عسگر (۱۳۸۹). فرهنگ همزیستی مسالمت آمیز با ملل دنیا در آیین اندیشه سعدی، بهارستان سخن، شماره ۱۶، سال ششم، صص ۱۵۵-۱۷۶.
۲. احسانی، سید محمد (۱۳۸۹)، مدارا با مخالفان در سنت و سیره ی پیشوایان معصوم، مجله ی معرفت، سال نوزدهم، شماره ی ۵۶، صص ۳۱-۴۴.
۳. اسماعیلی، رضا و قلانی، نسرین و جلالی مینا (۱۳۹۳). همزیستی فرهنگی در فرایند جهانی شدن و تقویت فرهنگ ملی - قومی جوامع، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال ۱۵، شماره ی ۲۵، صص ۱۴۹-۱۶۹.
۴. باقری، خسرو (۱۳۸۹)، رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، پژوهشکده ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۵. جارچی، سید رضا و رضوان خواه، سلمان (۱۳۹۷). همزیستی و تعلیم و تربیت، قم: وحدت بخش
۶. جوان آراسته، حسین (۱۳۸۴). حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها.
۷. حجتی، محمدباقر و سلمان، بلال (۱۳۹۵). همزیستی پیروان ادیان توحیدی از دیدگاه قرآن و روایات. پژوهش دینی، شماره ی ۱۳، صص ۲۹-۵۰.
۸. دلماس، کلود (۱۳۹۸). همزیستی مسالمت آمیز، ترجمه ی مهدی پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. رضوان خواه، سلمان (۱۳۹۸). طراحی الگوی مفهومی یادگیری برای باهم زیستن مبتنی بر فلسفه ی همزیستی مسالمت آمیز از منظر آموزه های قرآنی با تأکید بر تفسیر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی تهران.
۱۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران.
۱۲. صادق زاده، علیرضا (۱۳۸۸). طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، گزارش تلفیق نتایج نظری (فلسفه تربیت). ویراست ۱، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۲). اسلام و انسان معاصر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم.
۱۴. علیخانی، جواد (۱۳۹۴)، نقد و بررسی مستندات روایی تفسیر المیزان (نیمه ی نخست جزء دوم قرآن مجید)، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
۱۵. غریبی، جلال و گلستانی، سید هاشم و جعفری، سید ابراهیم (۱۳۹۳). مبانی ارزش شناسی تعلیم و تربیت چند فرهنگی، مجله علمی - پژوهشی تدریس پژوهی، شماره ی اول، سال دوم، صص ۸۵-۹۵.
۱۶. فتحی واجارگاه، کوروش و اسلامی معصومه (۱۳۸۷). بررسی میزان توجه به آموزش صلح در برنامه ی درسی دوره ی ابتدایی از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه ریزی درسی و معلمان دوره ی ابتدایی شهر تهران، فصلنامه ی نوآوری های پژوهشی، شماره ی ۲۵، سال هفتم، صص ۴۹-۷۶.
۱۷. فوزی، یحیی (۱۳۹۶). بنیان های صلح و همزیستی در اندیشه ی اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه ی اندیشه ی سیاسی در اسلام، شماره ی ۱۱، صص ۷-۲۹.
۱۸. کاستریانو، ریوا (۱۳۷۳). میهمانان، مهاجران، اقلیت ها. ترجمه ی محمدتقی زاده مطلق، پیام یونسکو، سال ۲۴، شماره ۲۷۷، صص ۳۳-۳۵.
۱۹. کرسون، آندره (۱۳۶۳). فلاسفه ی بزرگ، ترجمه کاظم عمادی، تهران: انتشارات صفی علی شاه.
۲۰. کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۶). همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۱. کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۶). دیدگاه اسلام درباره ی همزیستی مسالمت آمیز. فصلنامه بصیرت، سال دوازدهم، شماره ی ۳۵، صص ۱۲۰-۱۴۰.

Bar-Tall, D. (2004). Nature. Rationale and effectiveness of educational for coexistence, journal of social Issues, 60, 253-271.

Bar-Tal, D. & Bennink, G. H. (2004). The nature of reconciliation as an outcome and as a process. In Y. Bar-Siman- Tov (Ed.). From conflict resolution to reconciliation (11-38). Oxford: Oxford University Press.

Cohen, C. (2004). Creative Approaches to Reconciliation, Waltham, MA: Brandeis University.

[www.brandeis.edu](http://www.brandeis.edu)

Kokot, Waltraud, Tolayan. Khachig and Alfonso, Carolin, (2004). Diaspora, Identity and kelifion":  
New Diverction in theory and Research London: Routtedye.  
Minow, M. (2002). Education for Coexistence. Arizona Law Review, 44 (1), [www.law.arizona.edu](http://www.law.arizona.edu)